

موسویان: لجاجت غرب، حق مسلم ایران را به زورآزمایی بدل کرد

تهران- ایرنا- سیدحسین موسویان^۱ در یادداشتی در پایگاه 'المانیاتور' نوشت: لجاجت غرب مقابل حق مسلم ایران که 'NPT' آن را به هرکشوری اعطا کرده است باعث شد تا مشکلی که در ابتدای امر سلب حق ایران از رسیدن به نوعی فن آوری بود، تغییر شکل دهد و به یک زورآزمایی بدل گردد.

کد خبر: ۸۱۳۵۰۲۱۵ | تاریخ خبر: ۱۳۹۳/۰۷/۲۳ - ۱۵:۱۸

در این یادداشت که روز چهارشنبه در پایگاه المانیاتور منتشر شد، آمده است: خصومت آمریکا-ایران کمکی به حل مناقشه هسته ای نمی کند و حمایت کنگره آمریکا ابزار لازم جهت حل مناقشه هسته ای و پایان دادن به سه دهه دشمنی واشنگتن - تهران زمینه ساز همکاری در راه مبارزه با ظهور خلیفه گری ترور است.

دولت های تهران و واشنگتن سخت تلاش می کنند و مصمم اند هر چه سریعتر به یک توافق دوجانبه و راه حلی آبرومندانه برای کشمکش هسته ای ایران برسند.

اما جمعی از نمایندگان کنگره آمریکا در راه رسیدن به این توافق که بهترین شانس برای پایان دادن مسالمت آمیز به موضوع هسته ای ایران است، مانع تراشی می کنند.

اینطور که منطق حکم می کند اگر آمریکا و ایران در مذاکرات هسته ای با یکدیگر به توافق برسند احیانا سایر اعضای گروه ۵+۱ ایرادی به آن نخواهند داشت. عکس قضیه هم صادق است.

اگر آمریکا و ایران موفق به حل اختلافاتشان نشوند؛ فرصت بی بدیل و بی سابقه حل دیپلماتیک بن بست هسته ای ایران هم به هدر خواهد رفت.

از نقطه نظر آمریکا، هسته محوری مناقشه، تلاش های گذشته هسته ای ایران است و بر مبنای همین ارزیابی آنها از ایران می خواهند کار غنی سازی اورانیوم را یا معلق یا بطور گسترده آن را متوقف کند مگر آنکه آنها اطمینان حاصل کنند برنامه هسته ای ایران ماهیت صلح آمیز دارد.

ایران این اتهام را که به دنبال ساخت سلاح هسته ای است، رد می کند.

داستان از کجا شروع شد؟

در سال ۱۹۵۷ در حکومت شاه، آمریکا به هنگام ریاست جمهوری 'آیزنهاور' تحت برنامه ای با عنوان 'اتم ها برای صلح' مبنای برنامه هسته ای ایران را ریخت و اولین تاسیسات هسته ای ایران را که 'راکتور تحقیقاتی تهران' نام داشت در سال ۱۹۶۷ ساخت. در سال ۱۹۶۷ 'جرالد فورد' رئیس جمهوری آمریکا با صدور یادداشت تفاهم ۳۲۴ با نام 'تصمیم گیری امنیت ملی آمریکا' که از امیال و جاه طلبی های شاه حمایت می کرد به ایران در تهیه و تنظیم طرحی برای ساخت ۲۳ راکتور برق هسته ای کمک نمود.

به دنبال آن فرانسه توافق همکاری هسته ای با ایران امضا کرد و قراردادهای درازمدت با ایران منعقد ساخت. آلمان هم وارد قراردادهای مهم برای ساخت نیروگاه هایی برای ایران شد و متعاقب آن انگلیس نیز طی عقد قراردادهایی اورانیوم به تهران عرضه

کرد.

برنامه هسته ای شاه نظامی نبود اما او در سال ۱۹۷۴ در مصاحبه با یک خبرنگار فرانسوی که از او سوال کرد آیا ایران به دنبال ساخت سلاح هسته ای است؟ پاسخ داد: 'یقیناً، حتی زودتر از آنچه که فکرش را بکنید!'

امریکایی ها هم نیک می دانستند شاه بمب اتم خواهد ساخت.

گزارشی که 'سیا' آن را در سال ۱۹۷۴ منتشر کرد صراحت دارد بر اینکه 'اگر شاه تا نیمه سال ۱۹۸۰ زنده بماند و سایر کشورها به ویژه هند هم برنامه ساخت سلاح هسته ای خود را در پیش بگیرند شکی نخواهیم داشت ایران هم از آنها پیروی خواهد کرد!'

به رغم همه این علائم که بر امیال شاه برای ساخت سلاح هسته ای دلالت داشت آمریکا و غرب چشمانشان را به روی این موضوع بستند.

اینک در مورد برنامه هسته ای ایران سوال هایی نظیر اینکه چرا ایران اینقدر در مورد دنبال کردن پروژه هسته ای اش تزلزل ناپذیر است؟ و یا چرا ایران با وجود تحریم ها اینقدر در مورد پروژه غنی سازی اورانیوم یک دنده و تزلزل ناپذیر است؟

اما در پاسخ به سوال باید گفت اندکی بعد از انقلاب، ایران برنامه هسته ای جاه طلبانه امریکا- شاه را از جمله غنی سازی اورانیوم و پروژه های فراوری مجدد و ۲۳ نیروگاه برق هسته ای که امریکا پیشنهاد ساخت آن را داده بود، رها کرد.

ایران به ناچار راکتور تحقیقاتی تهران را که آمریکا آن را با مقاصد پزشکی راه اندازی کرده بود را حفظ کرد و مجبور شد نیروگاه قدرت 'بوشهر' را که ۹۰ درصد کار آن پیش رفته بود را تکمیل کند. تهران در همین راستا حدود ۸ میلیارد مارک آلمان تاکنون به آلمانی ها برای راه اندازی این پروژه به آلمانی ها پرداخت کرده است. سوخت راکتور از فرانسه به واسطه یک معامله تضامنی به ارزش یک میلیارد دلار تامین شده است.

اما بعد از انقلاب کشورهای آمریکا، فرانسه، آلمان، انگلیس و سایر کشورهای غربی همکاری هسته ای شان با ایران را قطع کردند و زیر فشارهای آمریکا کشورهای غیرغربی مانند چین و آرژانتین هم مجبور شدند به همکاری مشابه خود با ایران خاتمه دهند.

موسویان ادامه می دهد: از نیمه دهه ۱۹۸۰ تا نیمه ۱۹۹۰ من وظیفه ام توسعه روابط ایران و اروپا بود. در این مدت در بیش از ۳۰۰ دیدار من از مقامات آلمانی تقاضا کردم نیروگاه بوشهر را که پول آن تمام و کمال پرداخت شده است را تکمیل کنند.

من به آلمان ها گفتم 'اگر شما به تعهداتتان در قرارداد عمل نکنید و نیروگاه را تکمیل نکنید، ایران چاره ای جز خودکفایی نخواهد داشت و خود به این امر مبادرت خواهد ورزید و ضمن تکمیل کار نیروگاه، حتی سوخت آن را هم در داخل تولید خواهد کرد.'

در واقع این راه حل را آمریکا و غرب پیش پای ایران گذاشتند چرا که با رفتار آنها، ایران چاره ای دیگر نداشت جز آنکه خود برنامه هسته ای اش را راه اندازی کند.

در این موقعیت جدید، از همان ابتدای امر روشن بود که امریکا هرگز به ایران اجازه این کار را نخواهد داد.

در واقع سرسختی و لجاجت غرب در مقابل حق مسلم ایران که 'پیمان منع اشاعه سلاحهای کشتار جمعی (NPT)' آن را به هر کشوری اعطا کرده است، باعث شد تا مشکلی که در ابتدای امر سلب حق ایران از رسیدن به نوعی تکنولوژی (فناوری) بود، تغییر شکل دهد و به یک زور آزمایی و تحقیر و اهانت و تبعیض آشکار بدل گردد.

نیت حقیقی غرب در قبال ایران این بود که 'هر ملتی می تواند حقی را که NPT به آن اعطا کرده است را تجربه کند و از حیث قدرت هسته ای توانمند شود؛ به جز شما ایرانی ها!'

در آن حین مشخص شد غرب تصمیم دارد با ایران به عنوان یک شهروند درجه دو جامعه بین الملل رفتار و تعامل کند.

در اصل فضای حاکم بر این مشاجره از دیدگاه جامعه شناسی و روانشناسی قابل بررسی و تأمل است.

یک عامل ایستادگی ایران در مقابل خواست غرب، فرهنگ مقاومت ایرانی ها است.

ایرانی ها در طول تاریخ کهن خود بارها هدف تاخت و تاز و تهاجم قرار گرفته و از دشمنان خارجی از جمله یونانی ها، رومی ها، اعراب؛

مغولان، ترک ها، عثمانی ها، انگلیسی ها و روس ها ضربه خورده اند.

بدیهی است که این تاریخچه سرشار از تجاوز و شکست، یک حس غریب قربانی بودن را در ایرانی ها پرورانده است. جای شگفتی نیست که ایرانیان ملتی هستند عدالت خواه و مبارز و مقابل هرگونه زورگویی و نیرو و فشار خارجی می ایستند.

سرسختی ایران همچنین از یک حس قوی ملی گرایی و غرور ملی سرمنشا می گیرد و این احساس موتور محرک برنامه هسته ای ایران بوده است و در سراسر تمدن غنی کهن و میراث فرهنگی ایران موج می زده است.

مردم ایران حامی برنامه هسته ای ایران هستند.

یک نظر سنجی که ماه سپتامبر توسط دانشگاه 'مری لند' انجام گرفت نشان داد که ۷۰ درصد ایرانی ها مخالف توقف فعالیت نیمی از سانتریفیوژهای فعال کشور خود هستند و ۷۵ درصد هم با محدود ساختن تحقیقات هسته ای ایران مخالف اند. طبق این نظرسنجی، اکثریت قریب به اتفاق ایرانی ها می گویند که ایران به یک انرژی هسته ای نیاز دارد.

همه این حقایق، بازگو کننده حس ملی گرایی قوی به عنوان نیروی محرک ایران در کشمکش هسته ای با غرب است.

آمریکا سه دهه است که هر اقدام ممکن را به جز مداخله نظامی برای تغییر رژیم در ایران انجام داده است.

من این موضوع را با دلایل کامل با ذکر همه جزئیات امر در کتاب جدید خود که به تازگی به زیر چاپ رفته است به شکست همه تلاش های آمریکا در این راه اشاره و به صراحت بیان کرده ام که برخلاف انتظار، ایران امروز با ثبات ترین و قدرتمند ترین کشور منطقه است.

بحران جاری خاورمیانه در قالب جنگ ها و منازعات خونین داخلی، درگیری های فرقه ای و خیزش خطرناک ترین شکل تروریسم متجلی شده است اما همین بحران یک مفهوم جدید ژنو پولیتیک (جغرافیای سیاسی) را برای آمریکا آفریده است تا درسایه آن درسه دهه سیاست های شکست خورده اش در قبال ایران بازنگری کند.

همین اواخر 'جو بایدن' معاون رییس جمهوری آمریکا در سخنانی، متحدان کلیدی آمریکا در خاورمیانه را متهم کرد که به هدف ساقط کردن دولت 'بشار اسد' در سوریه با انواع حمایت های مالی و تسلیحاتی خود از افراط گرایان، کمک شایسته ای به ظهور و خیزش 'دولت اسلامی' (داعش) کرده اند.

موسویان در پایان یادداشت خود تصریح می کند: برای رسیدن به توافق نهایی که تا ۲۴ نوامبر (۳ آذر) بیشتر مهلت ندارد ایران و مذاکره کنندگان EU۳ موفق شده اند سه موضوع اصلی مورد مشاجره شامل 'تعیین سرنوشت آینده نیروگاه آب سنگین 'اراک'، آینده غنی سازی در نیروگاه 'فردو' و موضوع دسترسی بازرسان 'آژانس بین المللی انرژی اتمی' به تاسیسات مرتبط با برنامه هسته ای ایران را برطرف سازند.

حمایت کنگره آمریکا، ابزار لازم و سودمند در راه موفقیت مذاکرات و حل سایر موضوعات مورد اختلاف تا تاریخ ۲۴ نوامبر است.

این حمایت، ضمن آن لازمه خاتمه یافتن چند دهه دشمنی میان واشنگتن و تهران و نیز گشوده شدن درها به روی یک همکاری معطل مانده در راه مبارزه با خیزش تروریست ها و ظهور خلیفه گری ترور خواهد بود.

رسانام* *۱۵۹۱* *۱۰۶۴

انتهای پیام /*